

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان Thierry Meyssan

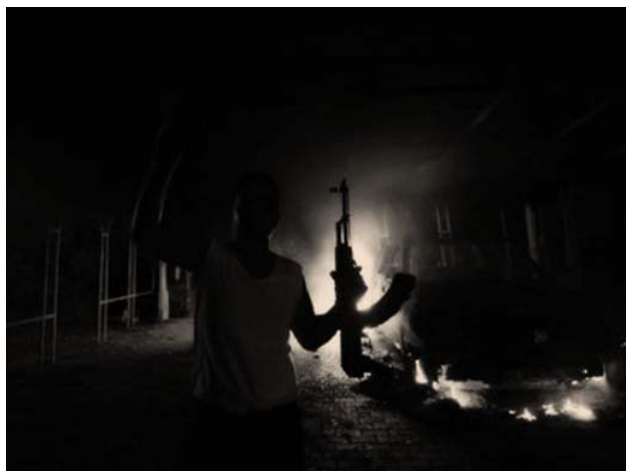
برگردان از: حمید محوی

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۲

«زیر چشمان ما»

تکتیک بی حرمتی به مقدسات

انتشار گزینه ای از فلم اهانت آمیز ضد اسلامی «بی گناهی مسلمانان» موجب خیزش موجی از خشم در جهان عرب شد. از دیدگاه تی یری میسان، مسائل کمی از ظواهر امر پیچیده تر است زیرا این گزینه از فلم ابتداء به زبان عربی در یوتوب و روی شبکه سلفی های مصری آل نصر منتشر شده بود. مخاطب فلم بینندگان ایالات متحده نیستند و نه حتی بینندگان مسلمان، بلکه تنها بینندگان عرب را هدف گرفته بوده است. انتشار آن توسط همانهایی انجام گرفته است که برای ممنوعیت آن فراخوان صادر کرده اند. چه کسی پشت این توطئه تحریک آمیز پنهان شده است؟



حمله به سفارت ایالات متحده در بنغازی (لیبیا)

انتشار گزینه ای از فلم «بی گناهی مسلمانان» در اینترنت موجب خیزش تظاهرات خشونت آمیز در جهان شد که در بنغازی به کشته شدن سفیر ایالات متحده در لیبیا و اعضای محافظ او انجامید.

در وهله نخست، باید دانست که موضوع به زنجیره ای از رویدادها مرتبط می باشد که از «آیت های شیطانی» نوشته سلمان رشدی شروع می شود و تا سوزاندن قرآن توسط کشیش "تری جونز" ادامه می یابد. با این وجود این تهاجم جدید با دیگر مواردی که در گذشته به وقوع پیوسته متفاوت است زیرا مخاطب آن مردم غرب نبودند، بلکه تنها به عنوان ابزار و به هدف تحریک مسلمانان تدارک دیده شده بود.

در زمینه سیاسی، این جریان را می توانیم به دو شیوه مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. مورد اول این است که آن را در سطح تکتیکی به عنوان تحریف و تحریک ضد امریکائی ببینیم، و دیگری در سطح استراتژیک و به عنوان حمله روانی ضد اسلامی.

فلم محصول یک گروه صهیونیستی مرکب از تعدادی یهودی با ملیت مضاعف اسرائیلی و امریکائی و یک قبطی زبان مصری بود. این فلم را از چند ماه پیش آماده کرده بودند تا در فرصت مناسب آن را به کار ببندند، و به این هدف که شورش هائی را علیه ایالات متحده تحریک کنند. بر این اساس تعدادی مأمور اسرائیلی در چند شهر بزرگ مستقر شدند و مأموریتشان این بود که خشم عمومی را علیه اهداف ایالات متحده یا مصری هدایت کنند (و نه هرگز اسرائیل). جای شگفتی نیست که تأثیر حداکثر در بنغازی به اوج برسد.

مردم بنغازی برای پناه دادن به گروه های ارتجاعی و نژاد پرست بسیار مشهور هستند. به یاد می آوریم طی جریان کاریکاتورهاى محمد (پیغمبر مسلمانان)، سلفیستها به سفارت دنمارک حمله کردند. با به کار بستن قرارداد وین، دولت لیبیا در دوران معمر قذافی مجبور شد از نیروهای نظامی برای محافظت از دیپلماتها استفاده کند. فشار قیام عمومی موجب مرگ چندین نفر شد. سپس، غربی ها که می خواستند رژیم لیبیا را سرنگون کنند، انتشارات سلفیستها را تأمین مالی کردند تا سرهنگ قذافی را به دفاع از سفارت دنمارک متهم کنند و بگویند که هم او بوده که مخارج تهیه کاریکاتورها را به عهده داشته است.

۱۵ فروری ۲۰۱۱، سلفیستها تظاهراتی در بنغازی به یادبود کشتاری که طی آن تیراندازی شده بود به راه انداختند، که آغازی بود برای شورش های سیرنیاک و گشودن راه برای مداخله ناتو. پولیس لیبیا سه نفر از اعضای نیروهای ویژه ایتالیائی را دستگیر کرده بود. افراد بازداشت شده اعتراف کردند که برای ایجاد اغتشاش، هم زمان، به روی تظاهر کننده ها و پولیس تیراندازی کرده اند.

این سه نفر طی جنگ زندانی بودند و تنها وقتی ناتو طرابلس را تسخیر کرد از زندان آزاد شدند و از طریق یک کشتی ماهیگیری که خود من نیز با آنها روی آن بودم، به مالت منتقل شدند(۱).

این بار، تحریف و تحریک و هدایت افکار عمومی در بنغازی توسط مأموران اسرائیلی، قتل سفیر ایالات متحده را هدف گرفته بود، یعنی حرکت جنگی بی سابقه از تاریخ مباران کشتی «یواس اس لیبرتی»(۲) توسط نیروی دریائی اسرائیل در سال ۱۹۶۷.

از سوی دیگر، این واقعه از سال ۱۹۷۹ نخستین بار است که یکی از سفرای ایالات متحده در حال انجام مأموریت به قتل می رسد. این واقعه باز هم به دلایل دیگری اهمیت دارد زیرا در کشوری روی داده که دولت چیزی بیشتر از از یک تخیل واهی نیست، و سفیر ایالات متحده تنها یک دیپلمات ساده نبوده بلکه عملاً به عنوان رئیس دولت عمل می کرد.

طی هفته های اخیر، مقامات عالی رتبه ارتش ایالات متحده آشکارا با دولت اسرائیل اختلاف نظر پیدا کرده و بیانیه های متعددی منتشر کردند که حاکی از متوقف ساختن جنگ های پی در پی است که از ۱۱ سپتمبر آغاز شد (افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه)، در حالی که توافقات سال ۲۰۰۱ چند کشور دیگر را نیز در بر می گرفت (سودان، سومالی، ایران). نخستین ضربه خطاریه، با حمله توسط موشک علیه هواپیمای ژنرال دامپسی فرمانده مرکز فرماندهی ارتش ایالات متحده انجام گرفت. دومین خطاریه خشونت آمیز تر بود.

از سوی دیگر، اگر این ماجرا را از دیدگاه روانشناسی اجتماعی مد نظر قرار دهیم، به مثابه حمله ای مستقیم علیه اعتقادات مسلمانان قابل تعبیر خواهد بود. بر این اساس، با اپیزودهای پوسی رایوت که آزادی مناسک و مراسم مذهبی را در کلیسای ارتودکس نجات بخش مقدس نقض کرد، و چند پرفورمانس پورنوگرافیک اندیشه پایه ئی دیگر که پیش از این به اجراء گذاشته بود، متفاوت نیست. این عملیات در تنوع و کثرتشان در پی تهی کردن جامعه از عناصر قدسی است که در رویارویی با تسلط جهانی مقاومت می کنند.

در جوامع دموکراتیک و تعدد فرهنگی، تقدس تنها در وادی زندگی شخصی می تواند وجود داشته باشد. با این وجود، فضای نوین تقدس جمعی نیز در حال تکوین است. دولت های اروپای غربی قوانین یادبودی را به تصویب رسانده اند که واقعه تاریخی را متحول ساخته به این معنا که کشتار یهودیان توسط نازیها را به موضوعی مذهبی تبدیل کرده است («شوآ» - قتل عام یهودیان - بر اساس اصطلاح یهودی، یا «هولوکاست» بر اساس واژگان انجیلی). بر اساس این قانون، چنین جنایتی به عنوان واقعه ای منحصر به فرد به بهای بی اهمیت انگاشتن کشتارهای دیگر، و قربانیان دیگر در دوران نازیها تعبیر شده است. زیر علامت سوال بردن این اندیشه جزمی، یعنی تعبیر الهی شناسی از یک واقعه تاریخی، مانند گذشته که قوانینی در مورد توهین به مقدسات رایج بود، مشمول قانون مجازات کیفری می شود.

به همین گونه، در سال ۲۰۰۱، ایالات متحده، دولتهای عضو اتحادیه اروپا، و شماری از هم پیمانان آنها قانون یک دقیقه سکوت را به یادبود قربانیان سوء قصد های ۱۱ سپتمبر به مردم تحمیل کرده اند. این ابتکار عمل در عین حال با تعبیر ایدئولوژیک دلایل چنین کشتاری همراه است. در هر دو مورد، کشته شدن به دلیل یهودی بودن و یا امریکائی بودن، جایگاه خاصی را برای قربانیان بازشناسی می کند که تمام بشریت باید در برابر آن سر تعظیم فرود آورند.

در آخرین بازی های المپیک در لندن، هیأت نمایندگان اسرائیلی و امریکائی بر آن بودند تا این فضای مقدس را با تحمیل یک دقیقه سکوت طی مراسم گشایش بازی ها تحمیل کنند، یعنی طی واقعه تلویزیونی که بیشترین بیننده را جلب می کند. موضوع یادبود قربانیان گروگان گیری بازی های المپیک مونیخ بود. ولی این پیشنهاد پذیرفته نشد، و کمیته المپیک به برگزاری مراسم خصوصی تری در حاشیه بسنده کرد. در هر صورت، موضوع ایجاد فضای تقدس جمعی برای قانونی سازی امپراتوری جهانی است.

بر این اساس، «بی گناهی مسلمانان» هم زمان ابزاری است برای هشدار به واشینگتن در پایبندی به نظم نوین جهانی که سعی می کند از طرح تسلط صهیونیستی دور شود، و وسیله ای است برای ادامه طرح وارد آوردن جراحت به اعتقادات آنهایی که در مقابلشان ایستادگی می کنند.

پی نوشت مترجم

(۱)مراجعة شود به مقالات زیر

گاهنامه هنر و مبارزه. ۳۱ اگست ۲۰۱۱

روزنامه نگارانی که در طرابلس در تهدید تروریست های وابسته به ایالات متحده و اروپا و گروه مسلمانان انقلابی (شاخه القاعده) به سر می بردند. بر اساس گزارش شبکه ولتر سرانجام سلامت به مالت رسیدند

۲) USS Liberty

اسرائیلی ها برای تحریک امریکا برای مداخله نظامی علیه مصر، با پرچم مصر به این کشتی حمله کردند و آن را به مصری ها نسبت دادند.

« Sous nos yeux »

La tactique du blasphème

par Thierry Meyssan

Réseau Voltaire | Téhéran (Iran) | 17 septembre 2012

نوشته تی بری میسان

ترجمه توسط حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com/post/282>